

بررسی نقش ایزدمهر در متن مذهبی مهر یشت اوستا

محمدرضا باوندپور

دانشجوی دکتری تاریخ قبل از اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

کریم یوسف جمالی

استاد تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسول)

Yousef_jamali2000@yahoo.com

ناصر جدیدی

استادیار تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Jadidi_naser@yahoo.com

شکوه السادات اعرابی هاشمی،

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مجله علمی پژوهشی تاریخ- شماره ۵۸- پاییز ۹۹- صفحه ۱۹۱-۱۷۹

تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۷/۲۷ تاریخ پذیرش ۹۹/۸/۱۳

چکیده

آیین مهرپرستی در زمان ایران باستان به مدت طولانی رواج داشت. اما بعد از رونق آیین زرتشتی توسط زرتشت، مهر که خدای مهر و خورشید محسوب می شد به ایزدمهر مبدل گشته و از درجه خدایی پایین آمد و در اوستا بخشی بنام مهریشت به او تعلق گرفت. مهر همان خورشید محسوب نمی شود اما بعدها این دو با هم ترکیب شده و یکی دانسته شدند. ایزدمهر در اوستا فرشته نور و روشنایی و همچنین جنگ معرفی شده است و دارای صفات والای قدرت و قهرمانی است. در این پژوهش که به صورت کتابخانه ای صورت پذیرفته به بررسی نقش ایزد مهر از لحاظ اجتماعی و کارکرد آن بر اساس متون مهریشت می پردازیم.

کلیدواژه ها: مهر، خورشید، یشت

مقدمه

آیین مهر پیش از آیین زرتشت در میان اقوام مختلف نفوذ داشته است. شاید بتوان گفت که این ایزد، گرانقدرترین ایزد آن زمانه محسوب می‌شده است. مهرپرستی آیینی رازآمیز بود که بر پایه پرستش مهر و خدای خورشید بنیان نهاده شد، این آیین بعدها دگرگون شد. مهر را می‌توان خداوند قول و عهد و پیمان دانست. حدود پانزده قرن قبل از میلاد مسیح، پیمان نامه‌ای بین میتانی‌ها و هیتی‌ها نگاشته شده که در آن به مهر یا میترا قسم یاد کرده‌اند و این نشان‌دهنده قدمت این آیین می‌باشد. در زمان زرتشت در اوستا و در مهریشت نامش ماندگار شد و در یشت دهم یعنی مهر یشت که یکی از بزرگترین یشتهاست به نیایش و ستایش مهر پرداخته شده است. در مهر یشت به نقش مهر اشاره شده که چگونه رابط بین عهد و پیمان‌ها بوده، به معرفی این ایزد پرداخته شده و از صفات او نیز نام برده شده است. هم‌چنین نوع ادبیات و بیان مسائل اجتماعی آن زمان درین یشت نمود پیدا کرده است. پژوهش‌های متفاوتی درباره مهر انجام شده است، اما هدف از این پژوهش بررسی نقش مهر در مهریشت اوستاست که از لحاظ اجتماعی چه کاربردی در جامعه زرتشتی آن زمان داشته است.

اسطوره مهر

مهر خدای مهمی در تاریخ بسیاری از کشورهای مختلف در ادوار گوناگون بوده است؛ پرستش او در غرب تا شمال انگلستان و در شرق تا هند گسترش داشته است. مهر که نخست هزاران سال پیش پرستیده می‌شد، هنوز مورد احترام زرتشتیان است. در هند باستان این خدا که نام او به صورت میتره دوستی یا پیمان ظاهر می‌گردد، معمولاً همراه با خدای دیگری به نام ورونه سخن راست، به صورت ترکیب میتره ورونه به یاری خوانده می‌شد. این دو غالباً با عبارات خاص انسان توصیف می‌گردند و هر دو با هم بر گردونه درخشان خود که ساز و برگش هم چون گردونه‌های زمینی است، سوار هستند و در اقامتگاهی زرین که هزار ستون و هزار در دارد، اقامت دارند اما علی‌رغم این تصویر پردازی، هیچ افسانه و اسطوره‌ای درباره آنان ذکر نکرده‌اند. تصویر پردازی فقط برای ترسیم خصوصیت این دو شخصیت به کار رفته است (هینلز، ۱۳۶۸: ۱۲۳). خورشید نیز مانند مهر، ایزد محبوب ایرانیان بود و گاه نام آن توام با مهر به کار برده می‌شد. در آیین زرتشتی خورشید یکی از سه قبله در کنار آب و آتش است که سه بار روزانه پیام اورمزد را به بشر می‌رساند (مهرین شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۵). اسطوره حاکی از این است که این ایزد، پس از زادن برآن شد تا نیروی خود را بسنجد. از این روی، نخست با خورشید زورآزمایی کرد و در این کار، خورشید، تاب نیروی مهر

را نیاورد و بر زمین افتاد. سپس مهر او را یاری داد تا برخیزد و دست راست خود را به سوی او دراز کرد و این دو ایزد با یکدیگر دست دادند. این نشان آن بود که خورشید با مهر بیعت کرد. سپس مهر تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس دو یاران وفادار هم شدند» (آموزگار، ۱۳۸۳: ۲۱). اشتها خورشید به صفت داور و عادل آن گونه که در باورهای مردم هنوز نیز رواج دارد، متأثر از اعتقاد به یکسان نگری و بی غرضی خورشید در بهره مند ساختن آحاد مردم از خویشان است و شاید یکی از دلایل عمده یکسان انگاشته شدن مهر با خورشید، اشتراک این دو در خویشکاری داوری باشد (رضوانیان و زارعی، ۱۳۹۴: ۲۰۷). یکی از وزیران یزدگرد دوم درباره خورشید چنین گفته است: «به سبب کرامت بی غرضانه و بخشایش یکسان است که خدای مهر نامیده می شود. در او نه اثری از مکر و فریب یافت می شود، نه نشانی از بی خبری و نادانی» (بویس، ۱۳۷۶: ۵۸۷/۳). بنابراین اساطیر «مهر که از صخره زاده شده است، به جنگ خورشید رفت و پس از پیروزی بر آن سوار بر گردونه خورشید (که به صلیب شکسته مشهور شده است) به آسمان رفت و از آن زمان (این دو) شخصیتی یگانه به شمار آمدند. پیوستگی این دو به گونه ای است که مهر، پرتو و انوار خورشید معرفی شده است» (آبادی باویل، ۱۳۵۰: ۲۵). با گذر زمان مهر و خورشید یکی دانسته شد. اما در اصل، مرتبه ای پایینتر از مهر در اندیشه ی ایرانی دارد و می توان آنرا نماد مادی مهر دانست. در بیشتر منابع، مواردی را که در مورد خورشید نوشته اند، همان است که در مورد مهر به کار رفته است و در اصل نیز چنین است و به نادرست در مورد خورشید آورده اند، مانند گردونه ی خورشید که همان گردونه ی مهر است و در اوستا بارها به آن اشاره شده است و دارای اسبهایی تیزرومی باشد. به این سبب خورشید را به اسبی تیزپا و تندرو تشبیه می کرده اند و مواردی دیگر از این است. به هرسو، همان گونه که گفته شد، خورشید نمادگرم، نور، مهر، دوستی، روزی و دلداری می باشد و سبب آن، نمادین بودن آن برای مفهومی از مهر است. در عین حال که خود نماد مهر است، نشانه و نمادی از مفاهیم دیگر در ادب و هنر ایرانی می گردد. این چنین است که می توان به سیر تطور و تحول نمادی از گونه ای به گونه ای دیگر اشاره کرد. اندیشه ای مانند باورمهری در سیر تاریخی خود در نمادهایی تجلی می یابد تا در نمادی تصویری و هندسی (چلیپا) خلاصه گردد (حسنوند و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

در ابتدا خورشید از مهر جدا بوده و با هم، پیمانی بر درستکاری و نظرات به عهد و پیمان داشته اند ولی به مرور زمان، خورشید خود نمادی از خود میترا و با آن در هم آمیخته شده، در تمامی

تصاویر مربوط به مناسک مهری تشعشعات خورشید دیده می شود (زمرشیدی، فهیمی، فر، ۱۳۹۴: ۸۹).

مهر با خورشید نزدیکی بسیاری دارد اما همانگونه که در اوستا نیز آمده میترا خدای خورشید نیست بلکه نور و پرتو آن است و وظیفه‌ی بنیادینش هدیه‌ی نور و زندگی است (حامی، ۱۳۵۵: ۱۳-۱۲). کوپر معتقد است که «هاله مظهر نور خورشید و میتراست، زیرا میترا ایزد خورشید است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۷۹). و این هاله در نقش برجسته های دوره باستان که مهر به تصویر کشیده شده نشان داده شده است.

بررسی مفهوم و ریشه شناسی نام مهر

نظریات گوناگون در خصوص معنای اصلی واژه مهر و ریشه شناسی آن مطرح شده است. معنی اصلی مهر در دو دسته کلی قرار می گیرد: نخست آنکه معنی اصلی واژه، دوستی و معنی تحول یافته آن پیمان است. دوم آنکه معنی اصلی واژه، پیمان و معنی دوستی نتیجه گسترش معنایی واژه است. (Schmidt, 1978: 361). مکنزی لغت مهر را «(مهر) ایزد (mihr) تلفظ کرده است. (مکنزی، ۱۳۹۰: ۳۰۹) اسم عام miθra- اوستایی که از نظر ساختار غیرقابل تفکیک از نام ایزد miθra- است، به معنی پیمان است. در مهریشت بارها به مهر به عنوان ایزد پیمان اشاره شده است. پیمانی که مهر بر آن ناظر است و متخلف آن را مجازات می کند و نگهدارنده آن را پاداش می دهد، باید همه اشکالی را که در جامعه وجود دارد در بر بگیرد (Gershevitch, 1967: 26). دومزیل آورده است که «میترا ایزدی هند و اروپایی است.» (Dumezil, 1988: 68)

بونفانته معتقد است که «قدمت مهر به سه هزار سال پ.م یعنی به دوران هند و اروپایی ها می رسد. وی بر این نظر تاکید دارد که مفهوم پیمان در این آیین از ریشه هند و اروپایی است نه هند و ایرانی.» (Bonfante, 1978: 56-57)

گرشویچ معتقد است که «برای شناخت معنی واژه مهر، بررسی چهار منبع قدیمی مربوط به این ایزد شامل پیمان نامه میتانی، اسناد ریگ ودا، میترس و اسناد مربوط به مهر ایرانی ضروری است.» (Gershevitch, 1967: 28)

اشمیت از قول لنتس می گوید: «معنی پیمان یا قرارداد را به عنوان معنی اصلی مهر نمی پذیرد.» (Schmidt, 1978: 357)

دومزیل با اعتقاد به اهمیت ایزدشناسی هند و اروپایی به این نتیجه رسید که مفهوم مهر از مبادله به پیمان و سپس به دوستی تغییر یافته است. (Schmidt, 1978: 365)

اسامی خاص بسیاری وجود دارد که با نام میترا ساخته شده اند یا از آن مشتق شده اند و یا با آن ترکیب شده اند. (Schmidt, 1978: 396)

رویگر، اشمیت با استفاده از دانش زبانشناسی اقدام به جمع آوری اسامی، مشتقات و ترکیبات این ایزد در شکل باستانی آن {میتره} و یونانی آن {میتراس} نموده است. این اسامی برگرفته از منابع مختلف از جمله هند و آریایی، اوستایی و فریگیه ای بالغ بر ۲۷۱ فقره می باشد. (اشمیت، ۱۳۸۵: ۴۴۲-۴۴۳)

در میان نام های برگرفته از نام میترا نام *miθrə-farnah* و کسی که دارای فرّه میترا می است به چشم می خورد که به اوستایی *xvarəno.dā* "بخشنده فرّه" شبیه است. (پیشین، ۴۱۳-۴۱۰) اما کهن ترین سند مرتبط با این موضوع که در آن نام ایزد مهر آمده است، پیمان نامه میتانی است. پیمان نامه میتانی مهر را به عنوان نگهبان پیمان معرفی میکند.

مهر در مهر یشت

مهریشت نام دهمین یشت است و مضامین آن پس از فروردین یشت، قدیمی ترین بخش آن است. این یشت در بزرگداشت ایزد بزرگ یعنی مهر با میترا سروده شده است. در مهریشت مهر ایزدی بزرگ و پرستیدنی است و مانند اورمزد، اهورای هستی بخش توانا است. (بندهای ۲۵ و ۶۹) (Thieme، ۱۹۷۸: ۵۰۲) در بند ۶ از مهر به عنوان نیرومندترین موجود یاد شده است.

«آن ایزد نیرومند توانمند، نیرومندترین در میان آفریدگان، مهر را با زوهرما خواهم ستود.» در این بند مهر با سایر مخلوقات مقایسه شده است، اما به برتری و بزرگی این ایزد بر دیگر موجودات اذعان شده است. ایزد مهر را می توان به گونه ای در حد وسط خدای و مخلوق قرار داد.

مهریشت منشور و ستایش نامه ای است که در آیین زرتشت به یکی از بزرگترین خدایان ایران باستان که در هند ودایی نیز در جایگاه عالی و مهمی قرار داشت اهدا شده است. نام این ایزد گرچه به همین نام در گات ها ذکر نشده است ولی وهومند در گات ها جانشین میتره محسوب می شود که بعدها در مهریشت با نام اصلی خود یعنی میتره و به عنوان آفریدگار اهورامزدا ظهور می کند. برخی دیگر از خدایان باستان نیز در کنار میتره جزو ایزدانی مخلوق اهورامزدا قرار می گیرند، لیکن میتره در یشت و عالم که جزو کهن ترین یشت ها به حساب می آید، جایی برای تردید باقی نمی گذارد که او بزرگترین خدا شناخته می شود و اهورامزدا را در این مرز و بوم کهن کاره ای نبوده است. (گریستین سن، ۱۳۳۶: ۵۲)

از مهریشت دو موضوع مهم به عنوان بنیان و پایه می توان استخراج نمود، اول راستی و دوم دلیری توصیفاتی که از مهر در مهریشت و سایر بخش های اوستا شده است بیشتر حول این دو محور قرار دارد و در بند ۲ مهریشت، هورامزدا به سپنتمان زرتشت می گوید «مهر را شایسته و سزاور نیایش آفریدم کسی که به مهر دروغ گوید و پیمان شکند و شرط وفا نداند ویران کننده کشور و راستی است. ای سپنتمان تو نباید عهدی را که بستی بشکنی خواه با یک فرد دینسا، خواه با یک دیوسینا چرا که معاهده با هر که بسته شده درست و قابل احترام است. در تغییر پهلوی مهریشت آمده که این هزار گوش و ده هزار چشم که به مهر داده شد، هر کدام خود جداگانه ایزدانی هستند که از طرف مهر گماشته شده اند تا همه اعمال مردمان را از آنچه دیده و شنیده اند به او خبر دهند. در مهریشت نیز غالباً آمده که مهر، شهریاری بخشنده است از این جهت در میان طبقه جنگجویان بیشتر از ایزدان دیگر ستوده می شده است.

در سراسر مهریشت سخن از بزرگی و جنگ جویی مهر است و این ویژگی های او سبب می شده است که مردم او را دوست بدارند. (ورمازون، ۱۳۸۳: ۱۹) بطور مثال در زمان اشکانیان، به دلیل روحیه جنگجویی این خاندان با مهر سازگاری داشته اند. «مهر نگهبان همه آفریده های روی زمین» (تیمه، ۱۹۷۸: ۵۰۴) و حامی سودمند همه آنان است. (بندهای ۵۳ و ۱۰۳) از ویژگی های زیادی از شخصیت مهر در مهریشت آشکار می شود مانند: ارتباط با او پیمان، جنگ، نخستین پرتو سپیده دم. منشأ زندگی و خورشید است. (گرشویچ، ۱۹۶۷: ۳۸) این ویژگی ها که متعاقباً به آنها خواهیم پرداخت در اوستا آمده است. مهر خدای بخشنده باران، «رویاننده گیاه» بخشنده اولاد «پسر بخش» است. (پیشین، ۲۳-۳۲) او بخشنده گله، شهریاری (پسر) فرزند و خوشبختی است. لقب «زندگی بخش» برای او آمده است (بند ۶۵) مهر به رهبران و افراد درستکار آسایش و خوشی می دهد. «او بخشنده نیکی ها و خوشبختی و بخشنده رمه گاوان و افزایش مردان است. آنها به برکت او روان می شوند و گیاهان می رویند.» (تیمه، ۱۹۷۸: ۵۰۲) گرچه بلاها و مصیبت های بزرگ از اوست و خشم او ویرانی و شیامی به همراه می آورد (پیشین، ۵۰۲) بلا و نیکی ناشی از او از روی هوس نیست و او مستبد نیست. بخشش او برای حافظان و پیمان و بلاهای او برای پیمان شکنان است. (پیشین، ۵۰۳-۵۰۲) عملکرد و رفتار وی به هر صورتی از نیک خواهی او نشات می گیرد. و چه خشمگین باشد و چه آرام، نیک خواه مردمان است. نیک خواهی او با ایزدان دیگر تفاوتی دارد، به آنهایتا موهبت می رساند، اما این مدل او در ازای عملی دیگر مانند قربانی کردن برای او و پرستش اوست و او تنها به کسانی کمک می کند که خواهان یاری رسانی به دیگران باشند. مانند ریدون که

قصه از میان بردن دیو خشکسانی را دارد اما به آژی دهاگ یاری نمی رساند پاداش با کیفر آناهیتا مانند مهر، هدف اجتماعی - اخلاقی دارد. (پیشین ۵۰۳-۵۰۲)

حتی در برخی جاها این احتمال وجود داشته که حلقه ازدواج از آیین مهری آمده و نشان از پیمان برای یک زندگی ابدی است. بخشیدن همین در باور ایرانیان برابر با بخشیدن چرا و رمه چراگاه های گسترده و ... است» (بندهای ۶۵، ۱۱۲، ۳۰) بخشودن همه این چیزها منجر به ایجاد رفاه و آسایش برای خانواده و ثبات درون کشور و در نتیجه تحکیم پیمان های بین المللی می شود. (پیشین، ۳۲)

بدین ترتیب می توان گفت که ایزد مهر هم در روابط شخصی و هم در روابط بین ممالک حفاظ عهد و پیمان است که در دو حالت نتیجه آن صلح و رسالت برای افراد خواهد بود. آنجا که در بند ۶۱ آمده است صفت منظم کننده مرزها برای اوست که دال بر نقش صلح آمیز او در روابط بین ممالک است.

در سنت زرتشتی، دادگاه روان پس از مرگ سه داور دارد که در راس آنها مهر قرار دارد و سروش و روشن همکاران او می باشند. (Boyce بویس، ۱۹۷۵، ۲۴۱/۱) مهر باور و ناظر بر پیمانی است که میان اور مزد و اهریمن در آغاز جهان بسته شده است. (پیشین، ۲۸۶)

مهر در زمره ایزدانی است که یثوتن را در شیرد. در فرشکرد. یاری می دهد. (Boyce بویس، ۱۹۷۵: ۲۹۰/۱)

مهر توان بازوان قدرت، با سوی چشمان و شنوایی گوش های پیمان شکنان را می رباید. 23, 49, 10 تیرنیزه، فلاخن و گرزهای کسانی که او را خشمگین می کنند، را بی اثر می کند: 39, 40, 10 و برای کسانی که به پیمان وفادارند، باران می آورد و گیاهان را می رویاند. 61, 10

مهر نه تنها ناظر بر همه پیمان ها است، بلکه بنابر آنچه دیده است داوری نیز می کند. در مهریشت او عنوان داور را دارد و فریفته نشدنی است. (بویس، ۱۹۷۵: ۳۰/۱) ظاهراً وظیفه مهم او، داوری آفرینش یا جهان، از داوری او در پیمان ناشی شده است. (گرشوچ، ۱۹۶۷: ۲۲) طیف وسیعی از پیمان هایی که باید در جامعه نگه داشته شود و مهر آنها را می سنجد.

مهر در بخش های دیگر اوستا

در سایر قسمت های اوستا نیز به ایزد مهر اشاره شده است. در وندیداد در دو فرگرد منحصرأ از پیمان ذکر شده است:

«ای سازنده جهان مادی، تو ای مقدس

پیمان های تو به عدد چند است اهورامزدا؟

اهورامزدا پاسخ داد:

آنها شش هستند به عدد نخست پیمان واژه است

دوم پیمان دست سوم پیمان برای میزان گوسفند است چهارم پیمان برای میزان ورز پنجم پیمان برای میزان یک انسان ششم پیمان برای میزان یک مزرعه است، مزرعه ای در سرزمین

خوب، یک (سرزمین) زیبا، با زایشی زیبا (وندیدا، چهارم، بند ۲)

در بندهای ۲۷ و ۲۸ فرگرد ۱۹ مستقیماً از ایزد مهر سخن رفته است:

«ای سازنده جهان مادی، تو ای مقدس

پاداش ها کجا داده می شود؟ پاداش دهی در کجا رخ می دهد؟

مردان به کجا می آیند برای گرفتن پاداشی که آنها در زندگی شان در جهان مادی، برای جانهایشان برنده شده اند؟

اهورامزدا پاسخ داد:

هنگامی که مرد مرده است، هنگامی که عمرش به سر آید، آنگاه دیوان دوزخی نابکار به او حمله می کنند و هنگامی که شب سوم رفته است، هنگامی که در سپیده دم ظاهر می شود و روشن می

کند و مهر را می سازد ایزدی با سلاح های زیبا به همه کوهستان های شاد و خورشید بالا می آید. در وسپرد کرده یکم بند ۷ آمده است نوید می دهم و ستایش بجای می آورم «مهر» فراخ چراگاه و

«رام» بخشنده چراگاههای خوب رَدان اَشَوَنی (بخشنده پاکی)

در کرده یازدهم هم بند ۶ نیز از مهر به عنوان فراخ چراگاه پس از نام اهورامزدا، سروش و زشن آمده است.

در خرده اوستا بخشی با عنوان «مهرنیایش» آمده است که مضمون آن از مهریشت گرفته شده است. مهر فراخ چراگاه، هزار گوش ده هزار چشم، ایزد نامبردار، داور راست، رام بخشنده چراگاه خوب

از جمله صفاتی که در مهر نیایش به ایزد مهر داده شده است (دوستخواه، ۱۳۹۴ : ۵۹۷)

در زامیاد یشب آمده است که چون فره جمشیدی از او گریخت، نخستین بار میتره آن را برگرفت، میتره دهید سرزمین هاست. (یسن ۱، بند ۱۱).

در یسنا نام ایزد مهر در کنار سایر ایزدان آمده است: «نماز به اهورامزدا، نماز به امشاسپندان، نماز به مهر دارنده دشت های فراخ، نماز به خورشید تیز اسب، به این دیدگان اهورامزدا، نماز به گوش،

نماز به گیاه، نماز به فروهر زرتشت سپنتمان پاک، نماز به همه آفرینش های پاک که هست و بوده

و خواهد بود (یسنا، هات، ۶۸ بند ۲۲) در دیگر بخشهای یسنا شامل هات ۱ بندهای ۱۱ و ۳ هات ۲ بندهای ۳ و ۱۱ هات ۴۴ بند ۵ هات ۹ بند ۱ هات ۶۵ بند ۱۲ هات ۷۰ بند ۳ هات ۷۲ بند ۶ ایزد مهر مورد ستایش واقع شده است جایگاه مهر در یسنا همانند سایر بخش های دیگر اوستا در جوار نام اهورامزدا در مرتبتی بالا واقع شده است.

ویژگی های مهر در اوستا

ایزد مهر در اوستا دارای صفات و ویژگی هایی است که نقش خود را در میان سایر ایزدان بارز کرده است، به طوری که در مقوله پیمان شناسی به عنوان اسطوره صیانت از قول و پیمان شناخته شده است این ویژگی ها که به آن خواهیم پرداخت در قبل از جدایی از دو قوم هند و ایران به عنوان اقوام آریایی به صورت ها و اشکال دیگری وجود داشته است که انعکاس وجوه فرهنگی آنان پس از جدایی در دو مرده ریگ ودایی و اوستایی نمود پیدا کرده است. جایگاه منحصر به فرد ایزد مهر در آیین زرتشت باعث شده است تا در کنار نام هرمزد و آناهیتا قرار گیرد. (جان هینلز، ۱۳۷۵: ۱۱۹) در زمان حاکمیت دین زرتشت در ایران، موبدان و جنگاوران از جایگاه و طبقه خاص و با شکوهی برخوردار بودند، با توجه به این که وظیفه موبدی و جنگاوری به ایزد مهر واگذار شده است به علت اهمیت طبقه موبدان و جنگاوران پی می بریم، با این اوصاف شکی نیست که جایگاه و منزلت ایزد مهر در قیاس با جایگاه وی در آیین مهری کاسته شده است اما این نزول شان نتوانسته است که از تأثیر مهر بر کارکردهای اجتماعی و علو جایگاهش فرو بکاهد. در واقع می توان این گونه ادعان داشت که مهر حاصل باورهای آیینی قومی است که در بستر تحولات و گذر زمان به نقش آفرینی خود با کارکردهای متفاوت و در زمان و مکان دیگری ادامه داده است.

و به مهر شخصیتی چند وجهی داده است این خصیصه باعث شده است تا در اوستا این گونه از وی یاد شود که زمان آوری که دارای هزار گوش است خوش اندامی که دارای هزار چشم است بلند بالایی که در بالای برج پهن ایستاده. (یشت، ۱۳۷۷: ۴۳۷)

مقام سترک قضاوت و داوری

ایزد مهر وظیفه داوری روان پس از مرگ را به عهده دارد، هنگام سوگند به او قسم می خورند، رسیدگی به دعوای قضایی و امور حقوقی با حمایت او انجام می شد. (بویس، ۱۳۸۵: ۵۸۲) ایزدی که بر فراز سپهر اعمال آدمیان را به نظاره نشسته است و کسی توان فریفتن وی را ندارد و عهد شکنان را مجازات و پایبندان به پیمان را برکت می بخشد.

اهدا کننده باران به زمین

در اوستا از مهر به آورنده باران یاد شده است. او آب ها را می افزاید و با باران گیاهان را می رویاند (اوستا ۳۶۷) قرار گرفتن نام مهر در کنار نام آناهیتا، سرچشمه همه آبهای روی زمین و منبع باروری (یشت ۵) به اهمیت آب و باران اشاره دارد که دو ایزد بخاطر ارتباط با این امر مهم توانسته اند نامشان در کنار ایزد بزرگ هرمز قرار گیرد.

بصیرت و دانایی

قدرت بینایی مهر در اوستا آنچنان وسیع است که قادر است هر کسی را که دروغ بگوید ببیند. در کنار این ویژگی منحصر به فرد خردمندی نیز به شکوه این ایزد افزوده است. در اوستا بخشش مهر از روی خرد و آگاهی است. (اوستا ۱۴۱).

با این وصف مهر، پادشاه همه سرزمین ها محسوب می شود که قدرت اعطا و ستاندن شهریاری را به هر کسی دارد. مهر دهنده شکوه و عظمت به شاهان بود. لذا پس از اهورامزدا او بالاترین مقام را در دربار داشت. (مهرین، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

مهروری و مهربانی

در خورشید یشت به دوستی مهر بارها مورد ستایش قرار گرفته است. «مهر فراخ چراگاه [آن] هزار گوش، ده هزار چشم را می ستایم. گرز مهر فراخ چراگاه را که به خوبی بر سر دیوان کوفته می شود می ستایم. بهترین دوستی را که در میان خورشید و ماه بر پاست (اوستا ۳۲۴).
آورندگی باران، روشنایی و بخشندگی نیز جلوه ای دیگر از مهرورزی و مهربانی ایزد مهر است. اما این چهره مهربان در برابر پیمان شکنان به شدت خشمگین می شود، آنچنان که در اوستا آمده است: سپس آنگاه مهر فراخ چراگاه آنان را به خاک افکند: پنجاه ها، صدها صدها هزارها، هزارها ده هزارها، ده هزارها صد هزارها، از آن روی که مهر فراخ چراگاه خشمگین است».

توجه به پیمان و عهد

برجسته ترین ویژگی ایزد مهر در این مبحث پاسداری از پیمان است، زیرا در آیین مهری هر پیمانی که بسته می شود محترم است. (رضی، ۱۳۸۱: ۱۴۹) در مهریشت از زمان اهورامزدا به زرتشت فرمان به پاسداری از پیمان بسته شده صادر گردیده و شکستن پیمان به هیچ بها نه ای جایز نیست. (اوستا ۳۵۳)

صیانت و نگهداری از آفرینش

نگهبانی از همه آفریدگان از وظایف مهر شمرده شده است که توسط اهورامزدا به عهده وی نهاده تا با کمک از خرد و آگاهی اش، نگهبان آفرینش باشد. (اوستا ۳۷۸)

بخشنده نعمت و برکت

مهر با پیروانش پیمان بسته است که به آنان نعمت و برکت بخشد. (اوستا ۳۶۱) این ویژگی بر باورهای مردمی اثر گذاشته است که ستایش این ایزد سبب کسب ثروت و نعمت فراوان و فرزندان برومند می شود (منوچهر پور، ۱۳۷۷: ۱۰۴)

آورنده روشنایی و روز

در نوشته های پهلوی، اهورامزدا، مهر را بر فراز کوه البرز سکونت داده است. (عقیقی، ۱۳۷۴: ۶۲۵) در اوستا نیز به سکونت مهر در کوه البرز اشاره دارد و از همان جاست که روشنی روز را به ارمغان می آورد. (اوستا ۳۵۶)

در بند هشن، خورشید یاور و همکار مهر در امر قضاوت می باشد. «مهر را خویشکاری، داوری جهانیان به راستی کردن است هر روز تا نیمروز، با خورشید بدین کار است و بدین روی است که داور به گیتی تا نیمروز داوری کنند» (فرنغ دادگی، ۱۳۸۰: ۱۱۳)

شهریاری

یکی از مهمترین ویژگی ها ایزد مهر در آیین زرتشت، اعطای شهریاری است. یعنی مهر می تواند این شهریاری و عظمت را به هر کس که بخواهد ببخشد یا بازپس گیرد چرا که او شهریاری همه سرزمین ها و فرهنگداران اهورامزدا است. (اوستا ۴۹۰).
لذا او با اسبان سفید نامبرای خود در همه جا با کسانی که پیمان ها زیر پا می گذارند می جنگند (دوش گیمن، ۱۳۸۱: ۵۹)

نتیجه گیری

میتزایسم یکی از آیین های مهم در زمان ایران باستان محسوب می شود، که با ظهور آیین زرتشت به درجه پایین تری نزول کرد، اما تا به امروز در متن کتاب مقدس زرتشتیان اوستا بخشی با عنوان مهریشت را به نام خود نامگذاری کرده است. در مهریشت به شکرگزاری، بیعت و راستی و درستی و همچنین دلیری و معرفت اشاره شده است. در واقع این یشت در بزرگداشت و ستایش ایزد بزرگ و کهن ایرانی، ایزد، مهر، پیمان، فروغ و روشنایی سروده شده و تا به این زمان باقی مانده است. آیین مهر را شاید به دلیل ستیزه جویی که داشته به مرتبه انسانی نزول پیدا کرده باشد. اما با تفاسیر دیگری توان نتیجه گرفت که در شناساندن خدای یکتا فعال بوده است.

از آنجایی که متن های دینی و مذهبی اقوام مختلف، نشانگر تفکر و باورهای آیینی آنهاست. مهر صاحب نیرو و بخشنده است. او محافظ مردمان و پیروانش است. مهر نویدبخش صبح و باران است و مهریشت بصورت حماسی و پهلوانی نمود پیدا می کند و علاوه بر شهریاری، قادر به باز پس

گیری قدرت شاهی نیز است. او یک جنگاور متعهد به پیمان و شهریار است. در مهریشت با یک ایزد مستقل روبرو می شویم که با توجه به نیازهای فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر، تغییر حالت داده و خود را منطبق با جامعه پیشرو کرده است.

فهرست منابع

۱. آبادی باویل، محمد (۱۳۵۰) آیین ها در شاهنامه فردوسی، تبریز، دانشگاه تبریز
۲. آموزگار، ژاله (۱۳۸۳) تاریخ اساطیری ایران، چاپ ششم، تهران، سمت
۳. بویس، مری (۱۳۷۶) تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ اول، ج ۱، تهران، توس
۴. حامی، احمد (۱۳۵۵) بغ مهر، داور پناه، چاپ اول، تهران
۵. حسونوند، محمد کاظم و زهرا رهنورد و الهام شیروی (۱۳۸۵) مطالعه نمادها و نشانه های مشترک تصویر ادبی در نگارگری سنتی ایران (بررسی موردی دو نگاره عاشقانه)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، از ۱۱۶-۱۰۵
۶. دادگی، فرنیخ (۱۳۸۵) بندهشن، ترجمه مهردادبهار، تهران، انتشارات توس
۷. دوستخواه، جلیل (۱۳۹۴) اوستاکهن ترین سرودهای ایران، گزارش و پژوهش، چاپ هشتم، انتشارات گلشن
۸. دوشن، گیمن (۱۳۸۱) دین ایران باستان، ترجمه رویامنجم، ج ۱ تهران، علم زادبوم زرتشت، نویسنده: جمشیدی مدی جیوانجی، مترجم رشید شهردان، مجله بررسی تاریخی ۱۳۵۳، شماره ۹
۹. رضوانیان، قدسیه و محمد زارعی (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی ایزدان داوری در اوستا و شاهنامه، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سری ۱۱، شماره ۴۱، از ۲۲۳-۱۹۵
۱۰. رضی، هاشم (۱۳۸۱) دانشنامه ایران باستان، عصر اوستایی تا پایان دوره ساسانی، ج ۴، تهران، نشر سخن
۱۱. زمرشیدی، زهرا و علی اصغر فهیمی فر (۱۳۹۴) تاثیر آیین مهری بر هنر و فرهنگ ایران، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال دهم، شماره ۳۸، از ۱۰۵ تا ۷۹
۱۲. عقیقی، رحیم (۱۳۷۴) اساطیر و فرهنگ ایرانی بر پایه نوشته های پهلوی، چاپ اول، تهران، توس
۱۳. کوپر، جی سی (۱۳۷۹) فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، فرشاد
۱۴. کومون، فرانتس (۱۳۸۳) آیین پر رمز و راز میترا، ترجمه هاشم رضی، چاپ دوم، تهران، بهجت
۱۵. گرمال، پیر (۱۳۷۸) اساطیر یونان و رُم، ترجمه احمد بهمنش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۱۶. مکنزی، دیوید نیل (۱۳۹۰) فرهنگ کوچک زبان پهلوی، مترجم دکتر مهشید میر فخرایی، چاپ پنجم تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۷. مهرین شوشتری، عباس (۱۳۵۴) گاتها، تهران، خرمی
۱۸. مهرین، مهرداد (۱۳۸۰) دین بهی، چاپ دوم، تهران، فروهر
۱۸. ورمازرن، مارتین (۱۳۹۳) آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ چهارم، تهران، نشر چشمه
۱۹. هینلز، جان (۱۳۹۳) شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران، نشر اساطیر
۲۰. هینلز، جان (۱۳۶۸) شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، و احمد تفضلی، چاپ اول، کتابسرای بابل، تهران، نشر چشمه

21. Dumézil, G. 1988. *Mitra-Vaaruna, an Essay on Two Indo-European Representations of Sovereignty*. New York: Zone Books.
22. Thieme, P. 1978. *Mithra in the Avesta*. *Etudes Mithriaques (Acta Iranica 17)*. Tehran-Liege.
23. Ara, M. 2008. *eschatology in the Indo-Iranian Traditions*. New York: peter lang
24. Puhvel, J. 1978. *Mithra as an Indo-European Divinity*. *Etudes Mithriaques (Acta Iranica 17)* Tehran-Liege.
25. Schmidt, H. p1978. *Indo-European Mithra Studies: The State of the Central Problem*. *Etudes Mithriaques (Acta Iranica 17)* Tehran-Liege.
26. Shaked, Sh. 1994. *Dualism in Transformation. Varieties of Religion in Sasanian Iran*. London: SOAS.
27. Mayrhofer, M. 1978. *Die bisher vorgeschlagenen Etymologien und die ältesten Bezeugungen des Mithra-Namens*. *Etudes Mithriaques (Acta Iranica 17)*. Tehran-Liege.
28. Bonfante, G. 1978. *The Name of Mithra*. *Etudes Mithriaques (Acta Iranica 7)*. Tehran-liege
29. Boyce, M. 1975. *A History of Zoroastrianism: The early period*. Vol. I. Leiden, köln: Brill.
30. -----2001. *Mithra the King and Varuna the Master*. *Festschrift fir Helmut Humbach zum 80*. Trier: WWT. pp:239-257.
- Eggers, A. 1894. *Der arische (indo-iranische) Gott Mithra*. Jurjew: Druck von C. Mattiesen.
31. Geiger, W. & F. Windischmann. 1897. *Zarathushtra in the Gathas and in the Greek and Roman Classics*. Leipzig: Otto Harrasowitz.
32. Gershevitch, I. 1967. *The Avestan Hymn to Cambridge*.